



تبیین مفهوم حکمرانی و کاربرد آن در ایران

سخنران:

دکتر غلامرضا معمارزاده

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات تهران

اعضای پنل:

دکتر حبیب‌الله طاهرپور

عضو هیئت علمی موسسه عالی آموزش
و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

دکتر فرج‌الله رهنورد

عضو هیئت علمی موسسه عالی آموزش
و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی



لینک ورود:

<http://imps.ac.ir/meeting>

چهارشنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۰

ساعت ۱۴ الی ۱۶

تلفن تماس:

۰۲۱ - ۲۲۸۰۲۷۰۶

نشست به صورت آنلاین برگزار می‌شود. لطفاً برای ورود به نشست، مرورگر سیستم خود را بروزرسانی نمایید. برای ورود، نصب نرم‌افزار **adobe connect** نیز ضروری است.



موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

کاربرد حاکمیت در حوزه توسعه

حاکمیت توسعه

Development Governance

دکتر فرج اله رهنورد

1400/9/10

سَمِيعٌ عَلِيمٌ

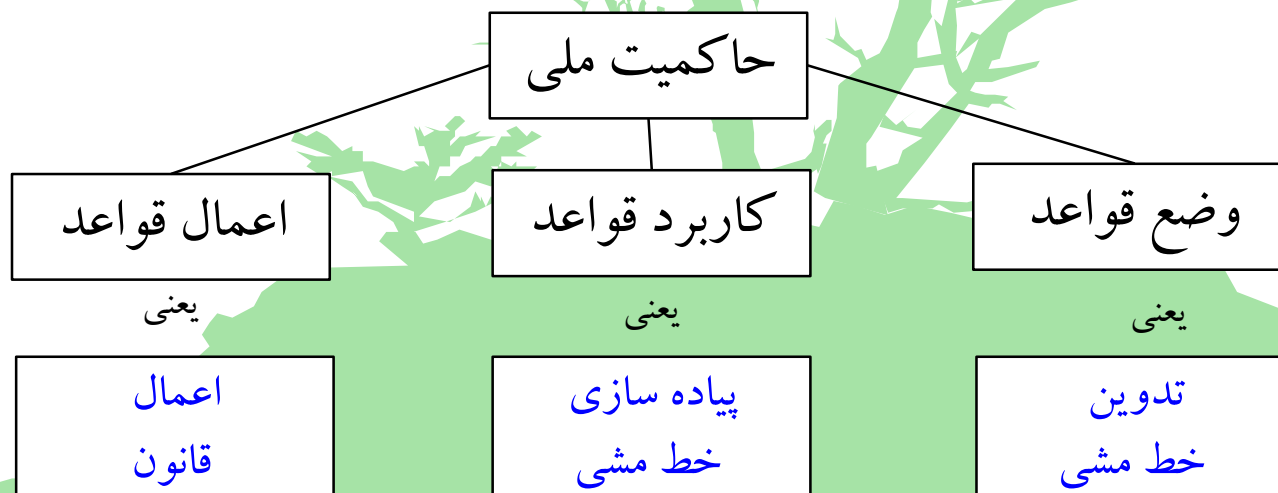


تعریف حاکمیت (Governance)

♦ حاکمیت در مفهوم کلی عبارت است از **چارچوب وضع، کاربرد، و اعمال قواعد** است. حاکمیت به چیزی وسیع تر از حکومت دلالت دارد و **چگونگی** راهبری و قواعد بازی را مشخص می کند (مته کایر، ۲۰۰۴).

♦ چارچوب های حاکمیتی بر مبنای اصولی ساخته می شوند که به شدت ایدئولوژی-محور هستند.

♦ A broad institutional definition would thus refer to **governance as the setting of rules, the application of rules, and the enforcement of rules** (Mette-Kjaer, 2004: 7).



معادل فارسی مناسب برای مدخل Governance

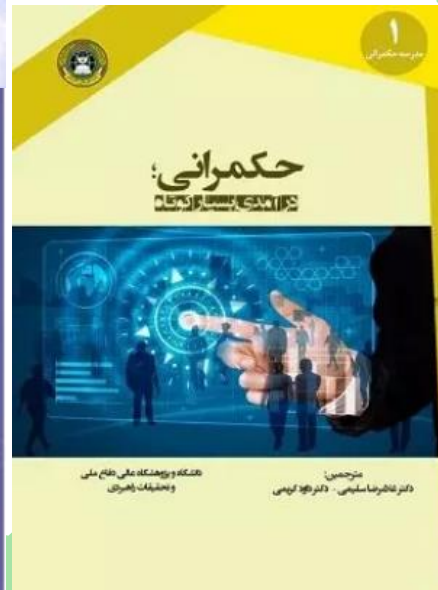
◆ در ترجمه Governance معادل های زیر از سوی نویسندگان به کار گرفته شده است:

◆ **حاکمیت** در ترجمه کتاب مته کایر و مجموعه مقالات حاکمیت شرکتی

◆ **حاکمیت** در ترجمه کتاب ها از سوی مدرسه حاکمیت شهید بهشتی

◆ **حکمروایی** در کتاب حکمروایی خوب

◆ **حکومتداری** در کتاب



معادل فارسی مناسب برای مدخل Governance

➤ کارگروه واژه‌گزینی مدیریت برای مدخل (governance) معادل فارسی حاکمیت را انتخاب کرده است. دلیل این امر این است که **حاکمیت (حکم+راندن)** تداعی‌کننده نظام سلسله‌مراتبی و دستوری است؛ حکمراندن یعنی اعمال اقتدار از بالا به پایین، درحالی‌که حاکمیت حالت خنثی دارد. یعنی هم حاکمیت سلسله‌مراتبی، هم بازارگون و هم حاکمیت شبکه‌ای را پوشش می‌دهد. درضمن، **راندن حکم** (حاکمیت) ناظر بر مرحله اعمال قواعد (**the enforcement of rules**) است، در حالی که واژه انتخابی باید تداعی‌کننده هر سه مرحله باشد (وضع قواعد، کاربرد قواعد، و اعمال قواعد).

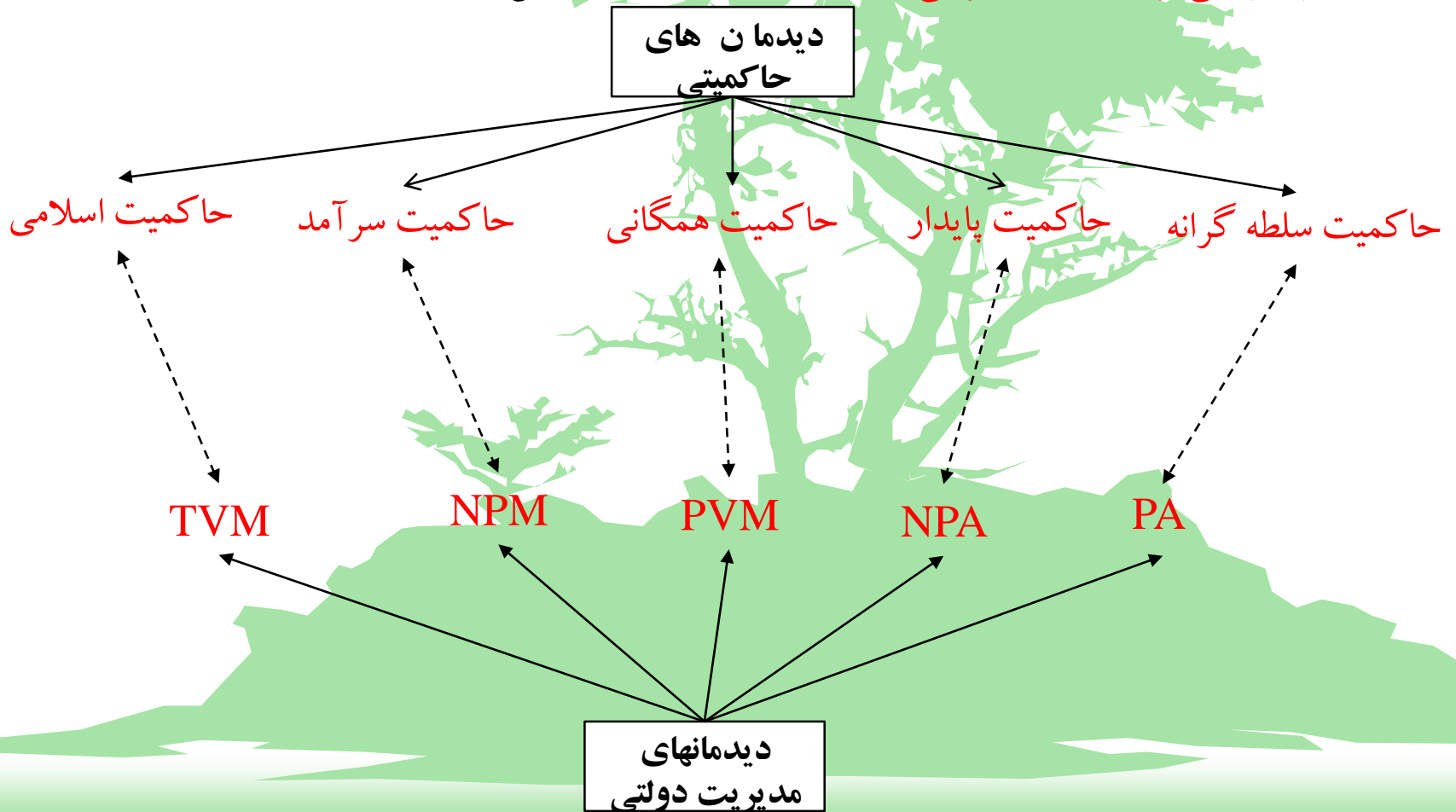
➤ لفظ حاکمیت برای ترجمه (Soveriegnity) مناسب است که در متون حقوقی و علوم سیاسی به حاکمیت ترجمه شده است.

چالش اشتراک لفظی حاکمیت

- ❖ برخی از متون حاکمیتی، واژه حاکمیت را در مفهوم **حاکمیت شبکه ای** استفاده می کنند. بنابراین، نویسندگان باید هشیار باشد که در مطالعه متون مختلف دچار سردرگمی نشود. برخی از متون حکومت را مترادف State در نظر گرفته و حاکمیت را مترادف Stateness در نظر گرفته اند (فرهنگستان زبان فارسی واژه **دولت بودگی** را برای آن انتخاب کرده است).
- ❖ برخی از متون، حاکمیت را صرفاً در **سطح ملی** تعریف کرده اند، در حالیکه حاکمیت ناظر بر تمامی سطوح است. از این رو، این شبهه را ایجاد کرده اند که حاکمیت مترادف حاکمیت ملی (national Governance) است، در حالی که حاکمیت محلی، حاکمیت شرکتی و حتی حاکمیت موضوعی مانند حاکمیت پژوهشی نیز وجود دارد.
- ❖ برخی از افراد با تاثیرپذیری از مُد روز، حاکمیت را جایگزین **مدیریت** کرده اند و تفاوتی بین آنها قائل نیستند.
- ❖ به هر حال این احتمال وجود دارد که حاکمیت به سرنوشت واژه دولت دچار شود.، که بعضی متون به مفهوم حکومت (Government)، در برخی به مفهوم اداره امور عمومی (Administration)، و برخی دیگر در مفهوم State به کار گرفته شده است.
- ❖ در حال حاضر حاکمیت برای معادل Governance، معادل Sovereignty، معادل Stateness، و حتی معادل Rule به کار می رود (Rule of Law).

ایجاد همترازی میان دیدمان های حاکمیتی و مدیریت دولتی

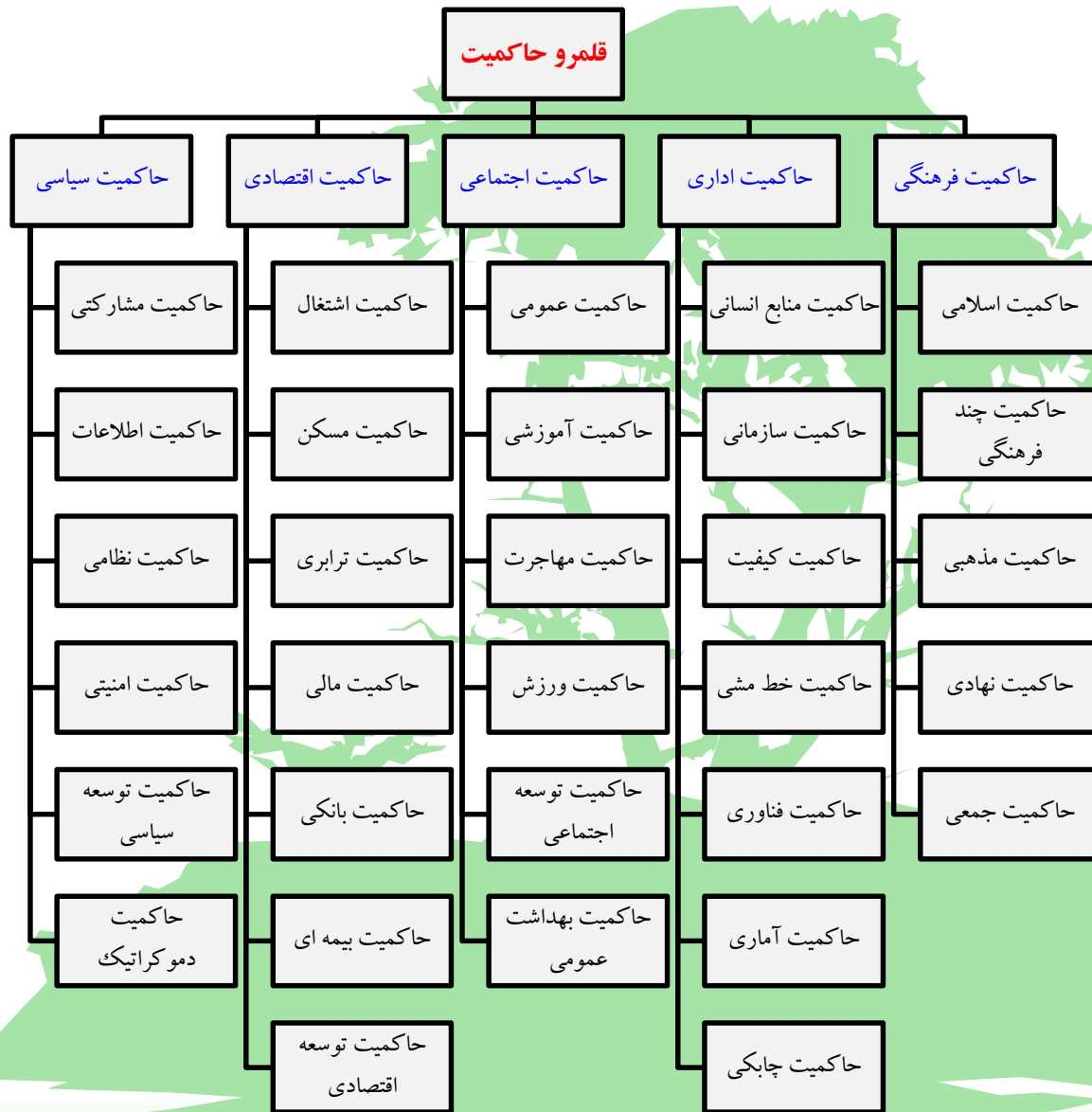
- ♦ حاکمیت بر واژه کلیدی چارچوب **تنظیمی** تاکید دارد (Wagner, 2015).
- ♦ کاربرد چنین چارچوبی یک فعالیت متمایزی است که به آن "مدیریت" گفته می شود. بنابراین، اگر حاکمیت یک چارچوب است، دقیقاً چه چیزی را پوشش می دهد؟
- ♦ حاکمیت چارچوبی **برای رفتار مدیریتی** در درون یک موجودیت معین است.



چارچوب پنج وجهی حاکمیت

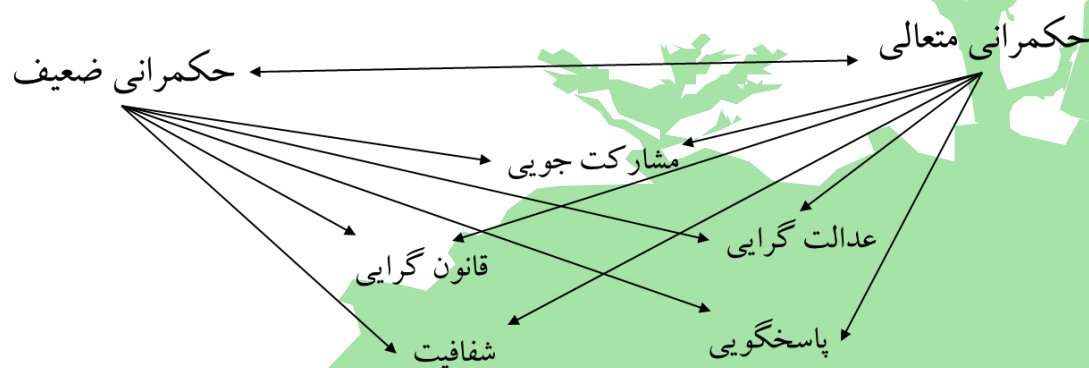


قلمرو موضوعی حاکمیت



حاکمیت سرآمد (متعالی)

♦ تعالی حاکمیت به الگویی از یک حاکمیت اشاره دارد که نیازهای اصلی جامعه را به بهترین نحو برآورده سازد و در این راه سرآمد دیگر حاکمیت ها باشد. بنابراین، مدل های تعالی حاکمیت در پی ارائه الگویی از یک حکومت (مدیریت جامعه) هستند که در اندیشه و رفتار و ایده و عمل سرآمد حکومت های دیگر باشند. به سخن دیگر، **چه اصولی را در حاکمیت رعایت کنیم که معرف تعالی باشد.**



1. مدل نیک شهر افلاطون
2. مدل مدینه فاضله فارابی
3. مدل کمون نهایی مارکس
4. مدل حاکمیت خوب
5. مدل حاکمیت خوب بسنده
6. مدل حاکمیت مطلوب اسلامی

تعالی حاکمیت (حاکمیت سرآمد)

تعالی حاکمیت
اداری

حاکمیت قانون
(Rule of Law)

حکومت باز

عدم وجود فساد

محدودسازی قدرت
حکومت

عدالت مدنی و
کیفری

اعمال مقررات

نظم و امنیت

اثر بخشی
(Effectiveness)

نتایج مورد انتظار

رضایت عمومی

مشروعیت اداری

اعتماد عمومی

شمولیت
(Inclusiveness)

گروه های مذهبی

اقوام فرهنگی

مناطق کشوری

اقشار اجتماعی

مشارکت
(Participation)

بازیگران خصوصی

جامعه مدنی

شفافیت
(Transparency)

افشاگری

صحت

وضوح

پاسخگویی
(Accountability)

پاسخگویی سیاسی

پاسخگویی حقوقی

پاسخگویی اداری

پاسخگویی حرفه ای

پاسخگویی اجتماعی

انواع حاکمیت

♦ نوع حاکمیت در مبانی نظری معروفیت دارند که تفاوت های آنها با انتخاب معیارهای مناسب در جدول زیر مقایسه شده است.

Network Governance

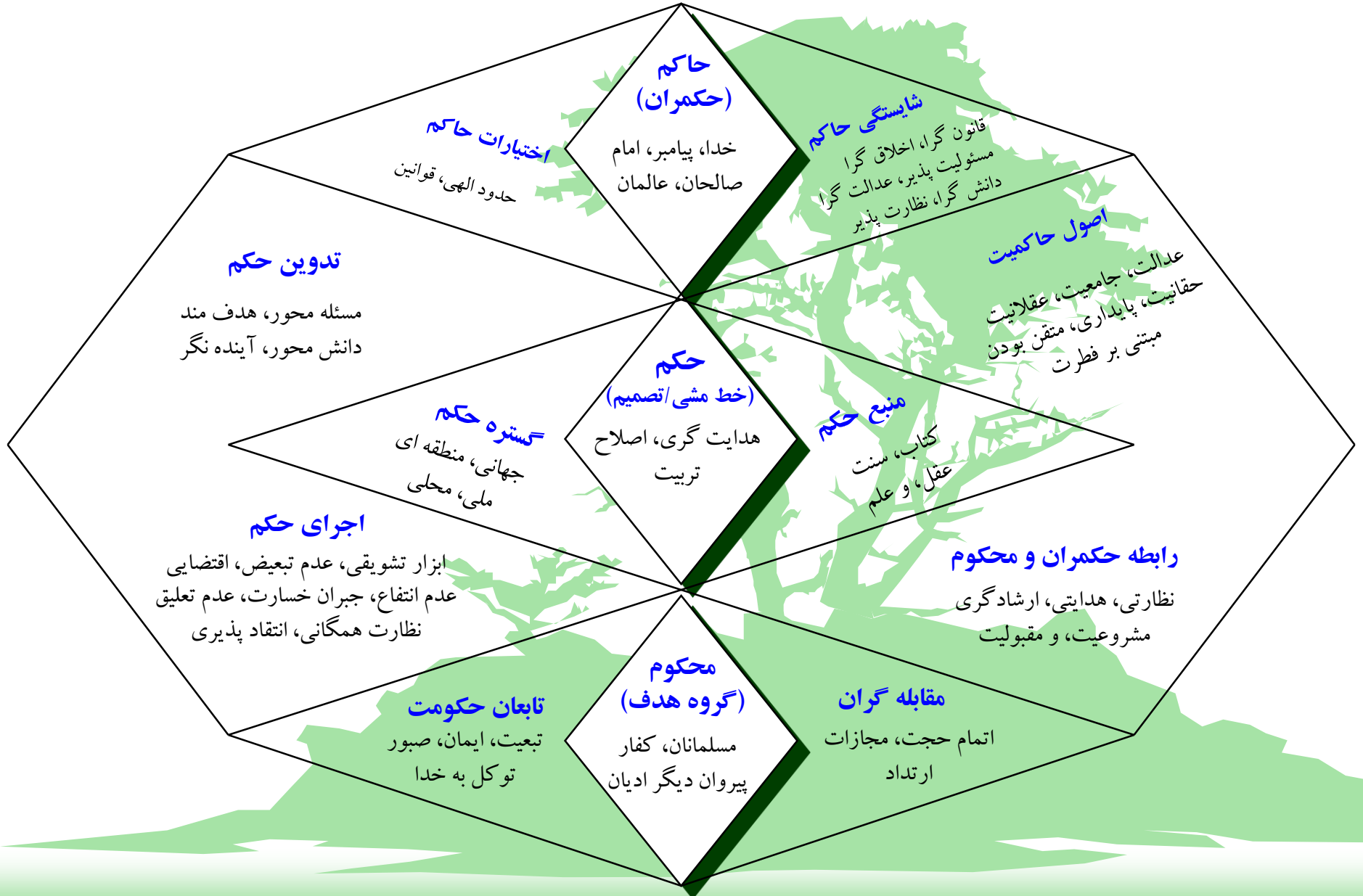
Hierarchical governance

Market governance

حاکمیت مبتنی بر شبکه	حاکمیت مبتنی بر سلسله مراتب	حاکمیت مبتنی بر بازار	معیار مقایسه
مبادله منابع	روابط استخدامی	حقوق مالکیت و پیمان	پایه مناسبات
مستقل	وابسته	مستقل	میزان وابستگی
اعتماد	اقتدار	قیمت	واسطه مبادله
سیاست	مقررات و دستورات	نزاع و دادرسی	ابزار حل تعارض و هماهنگی
معامله به مثل	تبعیت	رقابت	فرهنگ

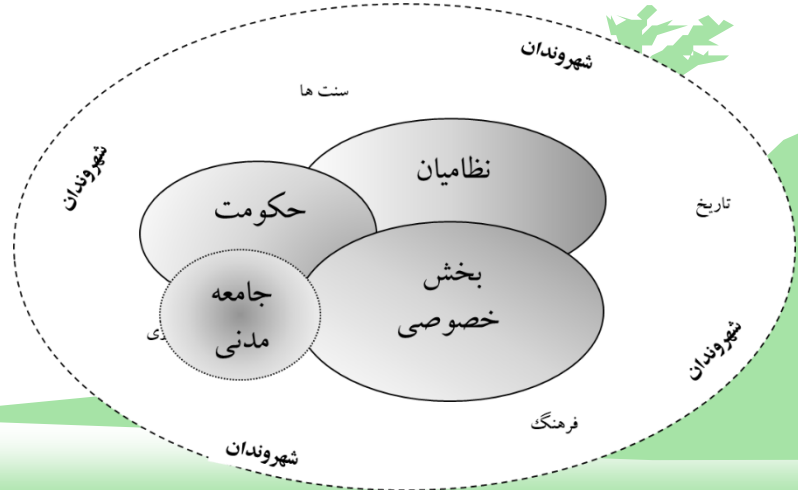
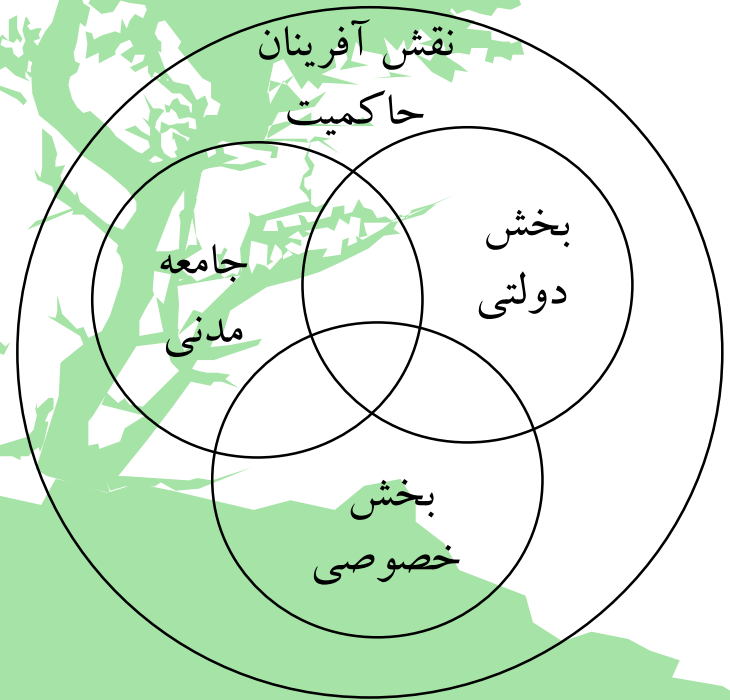
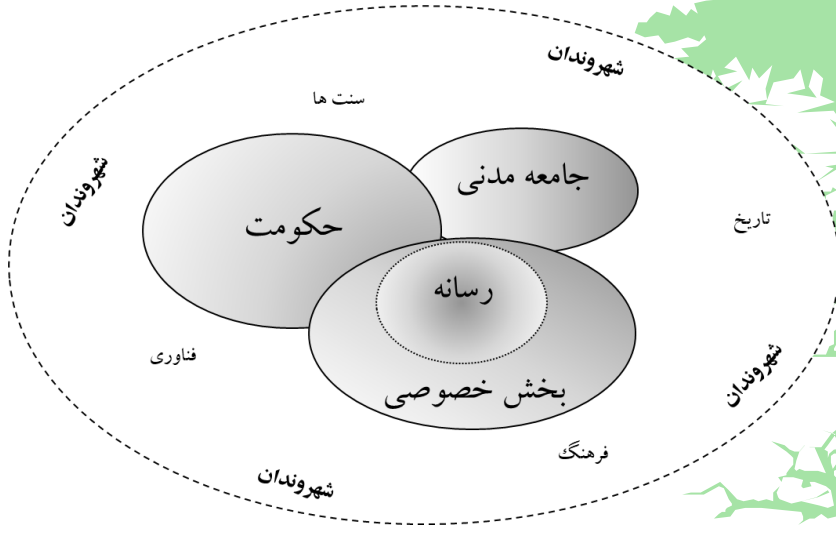
مدل منشوری حاکمیت مطلوب از دیدگاه قرآن

♦ مطالعات قابل توجهی در خصوص تبیین حاکمیت مطلوب از دیدگاه اسلام انجام شده است که مدل منشوری زیر یکی از آنهاست..



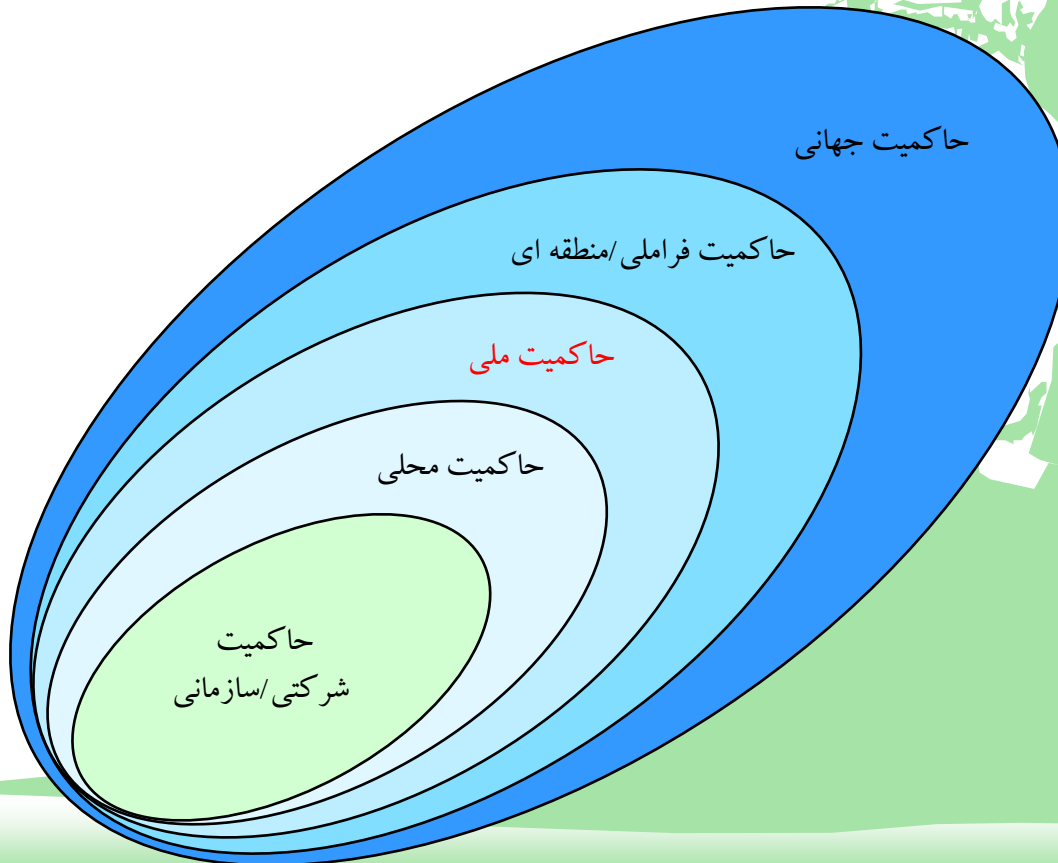
نقش آفرینان حاکمیت

◆ بحث نقش آفرینان حاکمیت ناظر بر بازیگرانی است که در وضع و اعمال قواعد نقش کلیدی دارند.



سطوح حاکمیت

◆ سطوح مختلف حاکمیت عبارتند از: ۱) حاکمیت در سطح خرد (سطح سازمانی)؛ ۲) حاکمیت در سطح میانه (حاکمیت محلی)؛ ۳) حاکمیت سطح کلان (حاکمیت ملی)؛ ۴) حاکمیت در سطح منطقه (حاکمیت فراملی)؛ و ۵) حاکمیت در سطح بین الملل (حاکمیت جهانی).



چارچوب حاکمیت چند گانه (MGF)

♦ چارچوب حاکمیت چند گانه بر مبنای چارچوب توسعه و تحلیل نهادی ساخته شده است، اما این چارچوب مطالعه فرایند خط مشی را با مفهوم حاکمیت مرتبط ساخته است. در ضمن، این چارچوب فعالیت های مختلف حاکمیتی را محل یابی کرده است (هیل و هیوپ، ۲۰۰۶).

حاکمیت عملیاتی	حاکمیت هدایتی (سطح کنش جمعی)	حاکمیت اساسی (سطح کلان)	سطح کنش مقیاس شرایط کنش سیستمی (نهادی)
مدیریت مسیرها (روابط بین سازمانی)	وضع قواعد کلی	طراحی نهادی	سازمانی
مدیریت روابط (روابطی بین واحدهای سازمانی)	نگهداری زمینه ای	طراحی روابط زمینه ای (مجموعه های سازمانی)	فردی
مدیریت تماس ها (روابط بین فردی)	کاربرد قاعده محدود به وضعیت	تدوین هنجارهای حرفه ای	

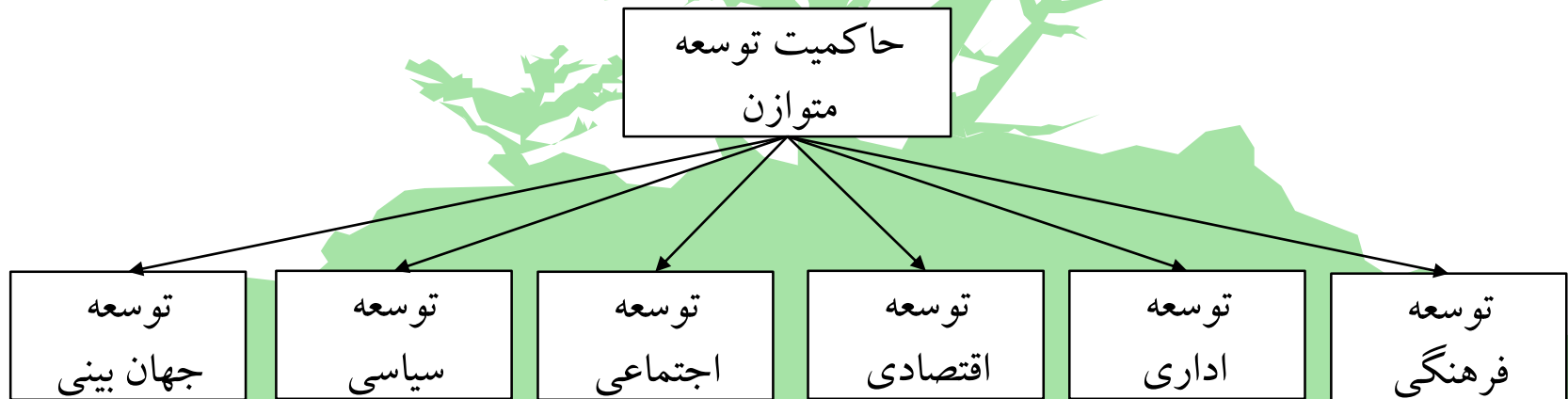
تعریف حاکمیت توسعه (Development Governance)

♦ حاکمیت توسعه عبارت است از اداره توسعه اجتماعی و اقتصادی از طریق سازوکارهای مناسب از جمله خط مشی گذاری، طراحی برنامه، تخصیص بودجه، و اصلاحات اداری مربوط به اولویت های بلند مدت، اهداف میان مدت، و اهداف کوتاه مدت و/یا سالانه تعیین شده برای توسعه اجتماعی و اقتصادی (Choudhary, 2018).

Development governance is governing of social and economic development through appropriate mechanisms including policy making, program design, budgetary allocation, and administrative reforms corresponding to long-term priorities, medium-term goals, and short-term and/or annual targets set for social and economic development. (Choudhary, 2018).

حاکمیت توسعه متوازن

- ◆ حاکمیت توسعه اجتماعی (Social development Governance)
- ◆ حاکمیت توسعه سیاسی (Political development Governance)
- ◆ حاکمیت توسعه اقتصادی (Economic development Governance)
- ◆ حاکمیت توسعه فرهنگی (Cultural development Governance)
- ◆ حاکمیت توسعه اداری (Administrative development Governance)
- ◆ حاکمیت توسعه زیست محیطی (Sustainable Governance)
- ◆ حاکمیت توسعه جهان بینی (Worldview development Governance)



موضوعات پوششی حاکمیت توسعه متوازن

حاکمیت توسعه متوازن

توسعه جهان بینی

فرایندهای انتخاباتی

دسترسی به اطلاعات

حاکمیت قانون

حقوق مدنی و آزادی های سیاسی

توسعه سیاسی

تبحر مشارکتی شهروندان

منابع باز یگران قانون گذاری

رسانه ها

احزاب و انجمن های ذینفع

توسعه اقتصادی

بازارهای کار

بودجه ها

سیستم مالی جهانی

اقتصاد

مالیات ها

تحقیق و نوآوری

توسعه اجتماعی

شمولیت اجتماعی

خانواده ها

یکپارچه سازی

نابرابری های جهانی

آموزش

بهداشت

حقوق باز نشستگی

زندگی سالم

توسعه اداری

ساختار اداری

ارزشهای اداری

کارکرد اداری

توسعه فرهنگی

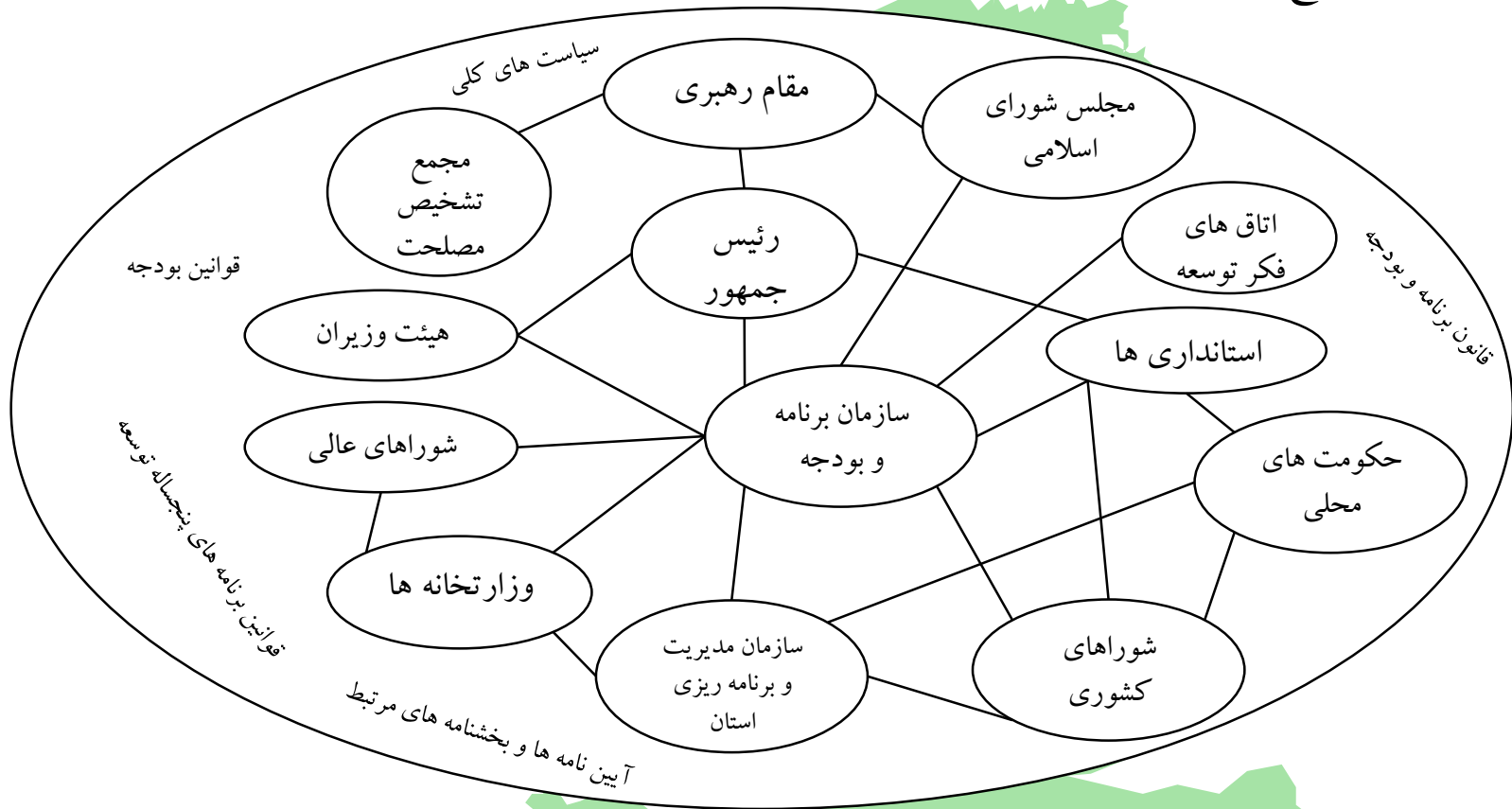
هویت فرهنگی

باورهای عمومی

ارزش های عمومی

نهاد توسعه در ایران

وضع قواعد توسعه + کاربرد قواعد توسعه + اعمال قواعد توسعه = **حاکمیت توسعه**

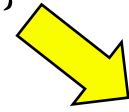


موجودیت های فعال در توسعه کشور + قوانین و مقررات ناظر بر آنها = **نهاد توسعه**

همان طور که در نمودار دیده می شود، **نقش آفرینان حاکمیتی** فقط موجودیت های دولتی هستند، و بخش خصوصی یا جامعه مدنی پوشش داده نشده است. بنابراین، هرچند توسعه در قالب شبکه ای از نقش آفرینان دولتی صورت می گیرد، اما این شبکه با مفهوم **حاکمیت شبکه ای** که در آن بر نقش آفرینی بخش های سه گانه دولتی، خصوصی و جامعه مدنی در امر توسعه تاکید می شود، فاصله دارد.

پایه نظری پیشنهادی برای تبیین حاکمیت توسعه در برنامه هفتم توسعه

سند تحول دولت



حاکمیت تحول گرا

پایه نظری پیشنهادی
برنامه هفتم توسعه
حاکمیت سه وجهی

فلسفه

حاکمیت

سند الگوی ایرانی -
اسلامی پیشرفت



حاکمیت منطقه گرا

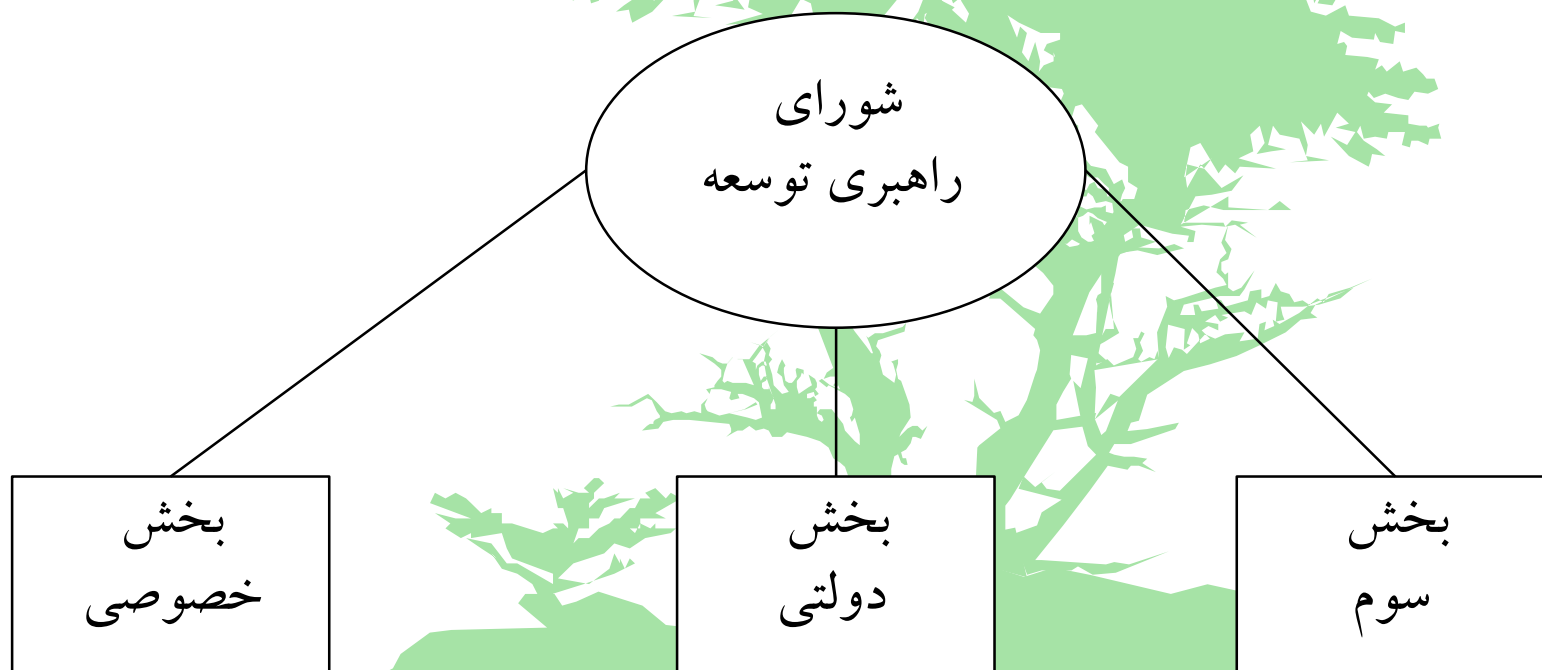


سند آمایش سرزمین

پیشنهاد نقش آفرینان حاکمیتی توسعه برای برنامه هفتم

توسعه

♦ دعوت از تشکل های فعال در بخش خصوصی مانند اتاق بازرگانی و بنیادهایی از جامعه مدنی برای شرکت در شوراهای راهبری توسعه در سطوح مختلف



لحاظ کردن اصول حکمرانی در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

◆ مبانی عملی (اصول) بنیادی ترین بایسته های برآمده از مبانی نظری به شمار می روند که چارچوب اوج گیری به سوی آرمان ها و کاربرست تدبیرها قلمداد می شوند. این اصول به شرح نمودار زیر هستند:

نقدپذیری
انعطاف پذیری
مصلحت گرایی
دوستوانی معنوی و مادی
خودباوری

توحید گرایی
دین مداری
قانون گرایی الهی
حاکمیت مردم سالاری دینی
کسب رزق حلال

انسان گرایی
عدالت گرایی
خلاقیت گرایی
تجمیع فردگرایی و جمع گرایی
نفی شکاف طبقاتی

شایسته سالاری
مناسبات بین المللی عزت گرا
مشاورت و مباشرت با فرزندانگان
مدارای سیاسی و فرهنگی
عدالت فضایی

حرکت جهادی
امر به معروف و نهی از منکر
خیرخواهی
مسئولیت پذیری
عدالت بین نسلی

خانواده محوری
سبک زندگی اسلامی ایرانی
همزیستی مسالمت آمیز
صداقت
تاب آوری

◆ این اصول در حقیقت اصول حکمرانی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت هستند که با اقتباس از آنها می توان اصول حکمرانی توسعه در برنامه هفتم توسعه را احصاء کرد.